

نقش تربیتی والدین در شکل گیری شخصیت نوجوان

الهه شریفی – نجمه باقریان – قصری

استاد: سرکار خانم طاهری

مقدمه

والدین مهم ترین نقش را در شکل گیری شخصیت فرزندان دارند چرا که انسان موجودی است اجتماعی از این رو توانایی زندگی کردن به صورت واحد را ندارد. چنان چه قرآن کریم نیز به این مهم اشاره کرده است « وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا و قَبَائِلًا لِّتَعَارَفُوا ».

این نوشتار ابتدا به معرفی انواع روابط به صورت گذرا اشاره دارد. این روابط را می توان به چهار مؤلفه تقسیم کرد. این نوشتار سعی دارد نقش تربیتی والدین را بر شکل گیری فرزندان خاص در دوران نوجوانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در این خصوص نقش خانواده را می توان به سه دسته تقسیم نمود. این تقسیمات در نظر نویسندگان دارای اهمیت ویژه ای است؛ چرا که این سه دسته اصلی ترین مؤلفه های رابطه ی والدین با فرزندان است.

مطالب پیش رو با استفاده از اسناد و کتب جمع آوری شده و توسط نویسندگان مورد تحلیل و استناد قرآن قرار گرفته است.

اهمیت دوره ی نوجوانی به گونه ای است که نسبت به مرحله ی قبل خود، دوره ی مستقلی از حیات به حساب می آید. برخی دانشمندان از آن مبهم ترین دوره ی زندگی یاد کرده اند؛ زیرا دارای تمایلات مختلف و متضاد است. ایشان این دوره و به خصوص مرحله ی بلوغ را ولادتی تازه بیان می کنند گویی رابطه ای بین این فرد با دنیای گذشته وجود ندارد و چون این مرحله از زندگی انتقال از کودکی و ورود به عالم زن یا مرد کامل بودن است مرحله ی انتقال نام می گیرد که دارای ایامی پر شور و پر طراوات است و از این بابت سن غرور خوانده شده است.

ورود به نوجوانی مقدمه است برای مسئولیت پذیری که با تحول همراه است، که با تظاهرات ظاهری، دگرگونی های دیگری پدید می آید که برخی از آنها بسیار سریع و غافلگیرکننده هستند و در صورت عدم آمادگی خطرآفرین می باشند، در آغاز بلوغ غدد جنسی بیدار شده و هورمون های خود را وارد خون می کند و دگرگونی هایی در جسم و روان ظاهر می شود و این آثار و تحولات خلقی نوجوان در ادامه ی آن زیستن جوانی پدیدار می شود. از ویژگی های این دوره آن است که سن خواستن و طرد شدن، اطاعت کردن و سرفرود آوردن، حمله و سرکوب کردن، نفی و انکار، مبارزه و تلاش و کوشش به همراه رشد بدن و پدید آمدن احساسات گرم و آتشین، رفاقت بازی و دوستی ها، خودنمایی، غرور و استقلال طلبی و پرتوقعی و طغیان در این مرحله خودنمایی می کند.

نوجوان پرهیجان و بی قرار همراه با افراط و در عین تردید است. تمایلات به اوج می رسد و هدف های عالی و گاهی غیرقابل دستیابی در او پیدا می شود، او می خواهد در جایی قرار بگیرد که از طرف همه ستایش شود و دوستش داشته باشند و به او اهمیت دهند و چون مرحله ی مهمی از حیات آدمی است ضرورت دارد که او نیکو رشد کند و منشأ آثار خیری برای خود و اجتماعش باشد.

دوره ی دو سویه که از یک سو درخشندگی و لذت و نشاط و جذب و رشد است و از سوی دیگر خطرات در کمین که می تواند لذت و نشاط را به غم بکشد. در این دوره ی حساس خوشبختی و بدبختی انسان بر اساس شکل پذیری و تکامل شخصیت فرد در ارتباط با دنیای پیرامون می باشد. بسیاری از تغییرات رفتاری که در نوجوان پدید می آید ممکن است موجب آزردهی والدین شود ولی این رفتارها، رفتارهای طبیعی دوران بلوغ است شامل پافشاری، استقلال و دوری از والدین است. هویت نوجوان در این مرحله با ارزش ها، روحیات و ویژگی های فرد در تجربه ی خانوادگی شکل می گیرد و به صورت رفتارهای به ظاهر ناهنجار دوران بلوغ جلوه می کند.

سطح فکر در دروان بلوغ گسترش می یابد و نوجوان درباره ی مسائل جدی فکر می کند و می تواند باعث افراط در آرمان گرایی نوجوان شود که رو در روی ارزش های والدینش قرار گیرد و مستلزم آن است که والدین وضعیت نوجوان خود را درک کند و به حمایت او برآیند چنان چه میشل روتر می نویسد:

«فرزندن در مراحل گوناگون رشد به شکل های متفاوت به والدین خود نیاز دارند در سال های آغازین به حضور فیزیکی آنان نیاز دارند چون این حضور به آنها احساس ایمنی می بخشد ولی در دوران نوجوانی نیازمند آن اند که به گونه ای متمایز محبوب و مطلوب والدین خویش باشند که این مسأله به رشد عاطفی آنان کمک می کند».

مواردی که به بهتر شدن رابطه ی والدین با نوجوان کمک می کند:

۱. تغییر شیوه ی برخورد با نوجوان

والدین باید بدانند که روحیه ی عصبانیت، عصیانگری و عناد به حد کافی در دوران نوجوانی وجود دارد و برخورد و رفتارهای آنان باید به گونه ای باشد که به تشدید این روحیات در نوجوان نینجامد. هرچند والدین قادر به استفاده از روش های کنترلی هستند ولی باید توجه داشت که آنان نه با یک کودک بلکه با یک فرد بالغ روبرو هستند و این روش ها دیگر کارایی ندارد.

۲. عدم اعمال زور و فشار

صحیح دانستن اعمال و رفتار خود از جانب والدین و انتظار پیروزی مدام باعث می شود والدین همواره در نبرد با نوجوان باشند و فرزند را وادار می کنند طبق میل و اراده ی آنها رفتار کنند در اکثر مواقع، باعث مشاجره و درگیری بین هر دو می شود، پس به جای مجبور ساختن وی به اطاعت و تقلید بهتر است والدین بگذارند نوجوان راه را بیپیماید و پیامدهای آن را پذیرا باشد و با این راه هر کاری آنها را جلب کنند، بهره بردن از چنین روش هایی نیاز به عصبانیت و کنترل دائمی در رفتار نوجوان را کاهش می هد.

۳. همراهی رفتاری و فکری با نوجوان

شناخت والدین از فرزند خود و قدرت و توانایی داشتن در اینکه زمینه ای فراهم کنند که نوجوان خود دلبستگی ها و ناراحتی ها و احساسات خویش را بروز دهد فرصت مناسبی را برای والدین فراهم می کند که همکاری دوجانبه با نوجوان خود داشته باشند و بتوانند دوستی و همراهی مداومی با وی برقرار

کنند چنان چه حضرت علی «علیه السلام» می فرمایند: «ما من حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛ هیچ رفتار و حرکت صحیحی نیست مگر اینکه نیازمند به شناخت آن می باشد»^۱

۴. عدم رفتارهای چالشی و بحث و پرخاشگری با نوجوان

طبیعی بودن عصبانیت و مقاومت و لجاجت تا حدی در سنین نوجوانی قابل پذیرش است پس والدین از دامن زدن به تشدید آن باید پرهیز کنند.

۵. مهارت برخورد منطقی و هم سو با نوجوان

از نشانه های دروان بلوغ و نوجوانی گاهی سرحال بودن و گاهی بی حوصله و گوشه گیر بودن است والدین نباید بکوشند تا این حالتها را از بین ببرند و با این کار فاصله ی خود و فرزندشان را کمتر نمایند و روحیات خاص این دروان را بپذیرند دشواری ارتباط نوجوان بهترین شکلی است که در این دروان خودنمایی می کند و هوشیاری و آگاهی همراه دلایل آن می تواند جوان را از حد عصیان و سرکشی جدا نماید و به سمت آرامش و اعتدال سوق دهد.

در برخوردهای روزمره، والدین احساس نگرانی درباره ی رفتارهای خاص نوجوان خود دارند که آگاهی از برخی شیوه های رفتاری باعث می شود که بیش از هر چیز رفتار را تحلیل کنند و آنگاه قوانین و مقررات و پیامدها و نتایج آن را تدوین نمایند. شناخت این عوامل و شیوه ها به ایجاد ثبات رفتاری در نوجوان کمک می کند:

۱. مهارت یافتن در تفکیک جزئیات از کلیات: گام نخست در تغییر رفتار این است که والدین سعی کنند که جزیی نگر باشند و از اظهارات مبهم و کلی بپرهیزند.

۲. تفکر در عاقبت رفتارهای هنجارشکن در نوجوان: هنگامی که والدین رفتار نوجوان خود را ارزیابی می کنند و دقیق مشخص می کنند پیامدها و نتایج آن را می توانند تحلیل نمایند و حتی رویدادهای

^۱ .جرانی، تحف العقول، ص ۱۷۱.

قبل از یک رفتار و پیامدهای پس از آن را پیش بینی می کنند و می توانند هرگونه رفتار غیرطبیعی و هنجارشکن را مدیریت نمایند.

نوجوانی دروه ی کاهش اقتدار خانواده است حاکمیتی که والدین در دوران کودکی بر فرزندان داشتند متقابلاً اطاعتی که فرزندان قبل نوجوانی داشتند در دوران نوجوانی به تدریج کاهش می یابد و چنان چه والدین در برقراری ارتباط صحیح با نوجوان شیوه های مناسب را رعایت نکنند، نخواهند توانست در تربیت و هدایت او توفیقی حاصل نمایند.

پیشنهادهایی وجود دارد که در این زمینه به حل مشکلات کمک می کند و به نحوی ارتباط بین والدین و نوجوان را تقویت می نماید.

۱. تشخیص زمان بندی برای ایجاد ارتباط دو سویه

اغلب نوجوانان اوقات خویش را با دوستان سپری می کنند و به فعالیت های خانوادگی علاقه نشان نمی دهند پس این راهکار مستلزم آن است که والدین در فعالیت هایی که مورد علاقه ی اوست مشارکت نمایند و فرصت با هم بودن را ایجاد نمایند.

۲. عدم استفاده ی والدین از کلام منفی و نصیحت گویی

اصرار والدین بر نصیحت و تغییر دادن نظر نوجوان و گوشزد کردن اشتباهات وی باعث کاهش اشتیاق محبت نوجوان با والدین می باشد به این منظور هدف والدین فقط باید صحبت کردن باشد نه غیر آن. والدین در صحبت کردن نیز باید رفتار صحیح داشته باشند و با ملایمت و نرمی با آنها سخن بگویند «الرفق یُسیرُ الصِّعَابَ و یُسَهِّلُ الشَّدِيدَ» الاسباب؛ مدارا و ملایمت دشواری ها را آسان می سازد و مسیرهای سخت را سهل می نماید».

والدینی در اسلام معرفی شده اند که با فرزندان خود بسیار با ملاطفت و نرمی سخن می گفتند. مانند حضرت فاطمه «علیها سلام» چنان که در حدیث شریف کساء نقل شده که فرزندان خود را با «قره عینی» و «ثمره فؤادی» خطاب می کنند. چنین برخورد با فرزندان در آنها ایجاد عزت نفس و کرامت می نماید.

قرآن نیز در آیه ی ۳۴ سوره ی فصلت به این مهم اشاره دارد و خداوند می فرماید: «هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه همان کس که میان تو و او دشمنی است گویی دوستی گرم و صمیمی است».

رابطه ی هم سالان با نوجوانان

بلوغ و رابطه ی نوجوان با دوستان و هم سالان وی حائز اهمیت ویژه ای است؛ زیرا نوجوان برایش بلوغ تازگی داشته و نسبت به دوستان وفاداری خاصی نشان داده و هیچ انتقاد و تنش را درباره ی هم سالان و دوستانش پذیرا نیست و همواره نظر و سلیقه ی خود و دوستان را بر نظر و سلیقه ی والدین خویش ارجحیت می دهد و برایش مهم تر است. دوران بلوغ، زمانی است که نوجوان در وجود خویش احساس تنهایی و خلأ می کند و همین احساس او را بر این وامی دارد که همیشه با دوستان خویش در ارتباط باشد و دوستی ها در این دوره یک نیاز اجتماعی برای وی محسوب می شود و به اندازه ی این دوستی ها در تداوم شخصیتی وی نقش دارند که والدین در برخی موارد برای القا و تفهیم نظر خویش به فرزندشان از دوستان نوجوان کمک می گیرند. و از دیگر دلایلی که باعث می شود نوجوان به هم سالان خود پناه ببرد شبیه بودن مشکلاتش نسبت به سایر دوستان خود می باشد؛ بنابراین بودن در کنار آنها و بیان راز درون خود به دوستان سبب آرامش وی شده و از نظر روانی آسوده خاطر می شود.

دانشمند «هامچک» نیز عملکرد گروه هم سال را به این صورت بیان می کند: جانشین شدن برای خانواده، منبع احترام شخص، منبع ثبات و استواری در زمانی که دوره ی تحول و انتقال است، سپری در مقابل فشار بزرگ سالان، منبع قدرتی که فرد طرز رفتار خود را از آنها می گیرد، الگویی برای رشد، اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و ذهنی.

با توجه به آنچه بیان شد خانواده و مدرسه وظیفه دارند زمینه ی حضور نوجوانان در تشکلهای دانش آموزی و محلی را فراهم آورده تا آنان بتوانند روابط اجتماعی را به صورت یکپارچه و در جهت مثبت تجربه نمایند.

ارتباط والدین با دوستان فرزند نوجوان

والدین نوجوان در این سنین حساس باید همواره توجه زیادی نسبت به دوستان فرزند خویش داشته باشند. هرگونه بی تفاوتی می تواند خسارات جبران ناپذیر به همراه داشته باشد. انگیزه های عاطفی سبب می شود تا نوجوان در انتخاب دوست دقت کافی را نداشته و همین باعث می شود نتایج زیان باری به همراه آورد. حضرت علی «علیه السلام» در این رابطه می فرمایند: «مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارِ الْجَاهِ الْاضْطِرَّ إِلَى مُرَافَقِهِ الْأَشْرَارِ؛ کسی که ناسنجیده با دیگران پیمان دوستی می بندد ناچار باید به رفاقت اشرار تن دهد».

بنابراین والدین باید رفتار فرزند خویش با دوستان را تحت نظارت قرار دهند؛ البته این نظارت نباید به گونه ای باشد که نوجوان را به لجاجت و کینه ورزی وادار کند؛ زیرا در این صورت نوجوان کشش بیشتری نسبت به دوستان ناباب نشان می دهد و در سرآشویی سقوط قرار می گیرد.

راهبردهای عملی در شکل گیری ارتباط والدین با فرزندان

۱. حاکم نمودن فضای منطقی در ارتباطات میان فردی در خانواده

برای ایجاد ارتباط خوب بین والدین و فرزندان نوجوان، فراهم آوردن فضای خانوادگی سالم بسیار ضروری و حائز اهمیت است. پدر و مادر باید دارای سلامت روحی و روانی و عاطفی بوده و ارتباط منطقی مناسب با یکدیگر برقرار کنند. وجود اختلاف بین والدین نوعی تنش و تعارض در شیوه ی تربیتی شخص ایجاد می کند و باعث می شود روحیه ی فرد خدشه دار شود. در عین حال ایجاد ارتباط مفید و سازنده آرامش و آسایش را برای فرزند ایجاد کرده و نوعی توانایی برای حل مسائل و مشکلات به او می بخشد. حضرت سجاد «علیه السلام» می فرمایند: «حق فرزند تو این است ... در سرپرستی وی مسئولیت داری

که ادب او را نیکو کنی و به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمان برداری از او نسبت به تو و خودشف یاری اش دهی».^۱

۲. ایجاد اقتدار متعادل والدین در بنیان خانواده

ایجاد سخت گیری و محدودیت شدید و همچنین افراطی گری در سهل گیری باعث می شود که ارتباط نوجوان و والدین از جدیت و استواری کامل برخوردار نباشد که در روش اول «سخت گیری شدید» نوجوان برای محدودیت ها و تنش های والدین به دنبال راهی برای گریز خواهد بود و در این صورت فرصت برای برقراری ارتباط مناسب وجود نخواهد داشت. در حالت دوم «سهل گیری افراطی» نیز والدین اقتدار و صلابت لازم برای ارتباط با فرزند خویش را نداشته و در مقابل، فرزندان نیز نیازمند برقراری این گونه ارتباط نخواهند بود. در حالی که این نیاز به صورت یک عامل درونی همواره وجود داشته و خلأ آن نیز با گذشت زمان آشکار می گردد.

پیامبر «صلی الله علیه و اله» نیز در این رابطه می فرماید: «مهر خداوندی از آن کسی باد که فرزند خود را در نیکو شدنش یاری دهد. به حضرت عرش کردم چگونه میم تواند او را در نیکو شدنش یاری دهد؟ حضرت فرمودند: کاری که به آسانی انجام داده است از وی بپذیرد، از کاری که انجام دادن آن برایش سخت است درگذرد، او را به کاری بیش از توانش واندارد و وی را نادان مپندارد».^۲

۳. عدم روی آوری به جبر در القاء اندیشه های ریشه ای در جامعه و والدین

هنگامی که والدین تلاش می کنند فرزندان خود را با ملاک ها و معیارهای شخصی خود که در بیشتر موارد نشأت گرفته از شرایط تربیتی خاص زمان خویش و تمایلات سنین نوجوانی خود است؛ همراه کنند با حالت طغیان و مخالفت شدید نوجوان مواجه خواهند شد و همچنین همدلی و تفاهم بین دو طرف مخدوش شده و نوجوان فاصله ی عمیقی بین خود و والدین احساس می کند. در این رابطه با نگاه به آیات قرآن کریم می توان این گونه دریافت که خداوند با اعمال زور در خانواده مخالف است. نشیر آن

۱. تحف العقول، ص ۲۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰.

را می‌توانیم در آیه ی ۱۳۲ سوره ی طه بیابیم. خداوند می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا، لِنَسْأَلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ اللَّتَّقَوِي».

از بررسی بسیاری از روایات که در ذیل آیه ی «وَأْمُرْ» مورد بررسی قرار گرفت می‌توان به این نکته دست یافت که مسأله ی عبادات، خاصه، نماز مورد توجه حق تعالی بوده است؛ چنان چه خداوند متعال ابتدا خطاب امر به نماز را بر امت نازل فرموده و سپس در ادامه آن را مورد امر شخصی یعنی خطاب به خود پیامبر به طور خصوصی قرار داده است چنان چه بسیاری از یاران حضرت بر این نکته گواهی داده اند به طبع آن ائمه اطهار نیز به این مهم توجه ویژه داشته اند اما نکته ی قابل تأمل آن است که خداوند در ادامه ی آیه «وَصَبِرْ عَلَيْهَا» را قید از «وَأْمُرْ أَهْلَكَ» نموده است یعنی اینکه خداوند خواسته که در این راه صبر و استقامت نبوی داشته باشیم؛ چرا که در خود آیه خطاب به پیامبر امر فرموده که بر توصیه ی فرزندان به نماز صبر پیشه کنید و آن را در ماده ی افتعال به کار برده استاز این جهت که بیان نموده در این کار یعنی نماز یکدیگر را توصیه به صبر نمایید این خود نشان صبوری خانواده بالاخص مدیریت خانه که به دست مرد است، می‌باشد در این مسیر والدین از صبوری خاصی که مدّ نظر آیه است باید بهره مند باشند.

همچنین هر انسانی از کبر و عُجب باید برحذر باشد خاصه این امر در تربیت فرزندان نقش و اثری ویژه دارد. از این روست که قرآن کریم از تعبیر «وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طَوْهً» استفاده می‌کند تا به مردم بنمایاند که مبدا در مسیر اهداف خود از کبر و خودپرستی غافل شوند و گرفتار این رذیله ی اخلاقی شوند خاصه پدر و مادر در امر تربیت باید خضوع و خشوعی فراوان داشته باشند تا بتوانند عوامل موثر در تربیت در نوجوان و جوان را نهادینه سازند.

۴ خواستگاه خانواده ارزشمندی و توانمندی نوجوان

توجه به ویژگی های مثبت نوجوان باعث می‌شود که نیاز های روحی وی ارضا شده و روزنه ای در جهت احساس ارزشمندی و هویت کامل برای او ایجاد شود به دلیل اینکه نوجوانان اکثراً تحت تاثیر توجه

مثبت والدین خود قرار گرفته و نیازمند چنین توجهی از سوی والدین هستند. چنان چه امیرمومنان «علیه السلام» نیز می فرمایند: «جز این نیست که دل نوجوان همچون زمین میان تهی است هرچه در آن افشاندن شود همان را می پذیرد»^۱.

۵. توان بخشی در کنترل و برطرف نمودن چالش های هیجانی

در این مورد قرآن کریم از سلیمان نبی بحث به میان آورده است گرچه این بحث ریشه ای در ارتباط با فرزندان در ظاهر ندارد اما به دلیل مدیریت حضرت سلیمان در امور اجتماع می توان آن را شبیه مدیریت والدین در مورد فرزندان به حساب آورد. در آن زمان که حضرت سلیمان نسبت به هدهد که از غائبین بود «کان من الغائبین» فرمودند: «لَا عَذْبَ» (آیه ۲۱) این نشان قاطعیت سلیمان نسبت به افراد خاطی و غافل است که با جدیت آنان را مورد خطاب قرار داده است. اما این جدیت نشان در تخلیه ی هیجانات نبوده؛ بلکه دلیل قاطع بر تربیت زیردستان سلیمان نبی است.

۶. عدم استفاده از نظارت های بازپرس گونه

استفاده از چنین روش هایی نه تنها برای فرزند سودمند نیست؛ بلکه باعث ایجاد بی اعتمادی آنها نسبت به والدین می گردد. در نتیجه برای جلوگیری از چنین مشکلاتی نظارت و کنترل از راه دور و غیرمستقیم در جهت گیری فرزند مفید خواهد بود؛ بنابراین توجه لقمان به فرزند خویش را در قالب آیات سوره ی مبارکه ی لقمان با عبارت «یا بُنَّی» از قبیل این توان بخشی به ارزش ها که در خانواده مورد تأیید و تأکید آیات است، مشاهده نمود.

^۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.